

مهاجران الی الله

داوود حسینی^۱

چکیده

مرگ، حقیقتی است که هیچ کس را فرار از آن ممکن نیست و بشر برای نجات و تأخیر آن، هیچ راهی را کشف نکرده و نخواهد کرد. اما آنچه این حقیقت را آسان می کند، شیوه و چگونگی مردن است. بعضی مرگ‌ها عزت آفرین و سعادت بخش است؛ مانند مرگی که در راه احیای دین خدا باشد که مقام شهادت را هدیه می کند. بعضی مرگ‌ها اگرچه در حد و درجه شهیدان عرصه جهاد نیستند، ولی چون در مسیر الهی اتفاق می افتند، خداوند از آن به «هجرت الی الله» تعبیر نموده، پاداش او را خود ضمانت کرده است.

از انواع جان باختن در مسیر حق که در روایات معصومان علیهم السلام مورد ستایش قرار گرفته، مرگ در مسیر حج و در حرمین شریفین؛ مکه و مدینه است. کسی که با این ویژگی از دنیا برود از او به مغفور، امان یافته از فرع اکبر، آرامش یافته، دارای مرگ آسمانی و نداشتن حساب و عذاب قیامت نام برده شده است. اینها نمونه‌هایی از آثار چنین مرگی خواهد بود.

کلید واژه‌ها: هجرت الی الله، منا، سالک، احرام، مرگ، زائر، حج.

میقات

۱. سطح چهار حوزه و کارشناسی ارشد روانشناسی.

مقدمه

حادثه تلخ منا و جان باختن شهادت گونه تعداد زیادی از زائران بیت الله الحرام و ضیوف الرحمان و از جمله هموطنان عزیزمان در حج سال ۱۳۹۴ ش. و در حال احرام، اندوه سنگینی بر دل‌های مسلمانان وارد آورد و خانواده‌های زیادی را که در انتظار بازگشت عزیزان خود، روزشماری می‌کردند، داغدار کرد. این حادثه از ابعاد مختلف قابل بررسی و دقت است. یکی از این ابعاد، حاجیان و زائرانی هستند که در این حادثه جان خود را از دست دادند و به ملکوت اعلا پیوستند.

با بررسی این حادثه از منظر آیات و روایات، تعبیرهای زیبایی را می‌بینیم که تأمل در این تعبیر، هم ارزشمندی چنین مرگی را برای جان باختگان آشکار می‌سازد و هم مصیبت را برای هر انسان آزاده و به‌ویژه خانواده‌های مصیبت زده، قابل تحمل می‌کند.

ویژگی‌های مهاجران الی الله

۱. هجرت الی الله

زائرانی که در این حادثه جان خود را از دست دادند، مهاجران الی الله بودند که برای زیارت خانه خدا و زیارت مرقد رسول الله و اهل بیت او از خانه خارج شده بودند که این هجرت الی الله به لقاء الله انجامید. این مرگ یک هجرت الهی و یک سلوک معنوی به سوی پروردگار بود که عده‌ای راه صد ساله را یک شبه پیمودند و از مصادیق این آیه شریفه شدند که فرمود:

﴿وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾. (نساء: ۱۰۰)

«و هر کس از خانه خود به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او خارج شود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خداست و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

در روایتی پیامبر ﷺ یکی از پاداش‌های مهاجران الی الله را چنین بیان فرموده است:
«وَمَنْ مَاتَ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حُسْرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ» (کلینی، محمد بن یعقوب، به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۴، ص ۵۴۸، ۱۳۷۵ ش.).

«کسی که مهاجر الی الله از دنیا برود، روز قیامت با اصحاب و شهدای بدر محشور می‌شود.»

هجرت، دارای نشانه و آثاری است که می‌توان با این آثار، افراد مهاجر را شناخت که آیا واقعاً مهاجر و مسافر الی الله هستند یا خیر. با این نشانه‌ها می‌توان گفت آیا جزو ﴿وَمَنْ يُخْرِجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ﴾ هست یا خیر. اولین و ساده‌ترین نشانه هجرت و دینداری حقیقی، این است که آیا فرد برای خدا از امور مادی دنیوی صرف نظر می‌کند یا نه. این آسان‌ترین نشانه است! دومین نشانه هجرت و دینداری حقیقی، از خود گذشتن است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انفال: ۷۲)؛ «کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند.»

ابتدا «اموال» را مطرح می‌کند که چشم‌پوشی از آن آسان‌تر است و آنگاه از «جان» سخن به میان می‌آورد. چنانچه بخواهیم ببینیم آیا مهاجر الی الله هستیم یا نه، اول باید از مالمان در راه خدا بگذریم. اگر می‌توانیم از مال بگذریم و اموال را فدای دین کنیم، اولین قدم هجرت الی الله را برداشته‌ایم. در مرحله بعد، گذشتن از جان در مسیر بندگی خداست. آیا می‌توانیم از جانمان بگذریم یا خیر؟!

هر کس که ادعای دینداری می‌کند، می‌تواند خودش را این گونه محک بزند و مورد آزمایش قرار دهد، (تهرانی، حاج آقا مجتبی، ص ۱۲۹، ۱۳۹۱ ش.). مهاجران الی الله و حجگزاران امسال (۱۳۹۴)، در این عرصه مجاهدت، صداقت خود را به اثبات رساندند. ابتدا از اموال خود گذشتند و آن را هزینه انجام حج کردند و در مرحله بعد هم در این مسیر از جان خود گذشتند.

۲. میزبانان و میهمانان خدا

مهاجر الی الله دو راه برای ارتباط با خدا دارد؛ یک راه برای مقربان است که در اثر طی طریق و سیر و سلوک بالا می‌روند و به مقام قرب الهی می‌رسند که این راه انبیا و اولیا است. یکی هم راه دل‌شکستگان است. تفاوت این دو راه هم این است که یا انسان میهمان خدا می‌شود یا

میزبان خدا. آنها که حج انجام می دهند یا روزه می گیرند؛ اعم از حج واجب و مستحب، جزو ضیوف الرحمان اند، میهمانان الهی اند یا نمازی می خوانند بر اساس «الصلاة معراج المؤمن». اینها جزو میهمانان الهی اند؛ که این، گاه به صورت حج و عمره در حرمین شریفین است، و گاه به صورت انجام وظایف ماه مبارک رمضان که می گویند: «شهر الله، ماه ضیافة الله است» و مانند آن؛ گاهی نیز از راه دیگر.

انسان گاهی توفیق آن کارها را ندارد، اما قلب شکسته ای دارد و بر اساس «وَسُئِلَ أَيْنَ اللَّهُ فَقَالَ عِنْدَ الْمُنْكَسِرَةِ قُلُوبُهُمْ»، (سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، ص ۱۲۰، [۱۴۰۷ق. / احمد بن محمد ابن فهد حلّی، تحقیق: احمد موحدی قمی، ص ۱۷۷، ۱۴۰۷ق.)، انسان دل شکسته، میهماندار خداست و میزبان الهی است. انسان می تواند به فیض خدا، وجه خدا، لطف خدا، رحمت و اسعه خدا، ثواب خدا، عنایت خدا و سایر اوصاف فعلیه خدای سبحان برسد و میهمان یا میزبان اینها شود. گاهی خداوند چنان توفیق را رفیق راه کسانی می کند که هم میهمان خدا هستند و هم میزبان خدا. آنان کسانی هستند که توفیق حضور در میهمانی حج را یافته اند و در صحرای عرفات باراز و نیاز به گناهان خود در محضر پروردگار اعتراف کرده و دل شکسته شده اند. بنابراین، قلب آنان میزبان الهی شده است. اینان مسیر قرب را با دو بال طی می کنند؛ بنابراین زودتر به مقصد می رسند. شهدای منا چنین توفیقی یافتند که هم میهمان خدا شوند و هم میزبان خدا.

۳. لبیک گویان قیامت

«وَمَنْ مَاتَ حُرْمًا بُعِثَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبِّيًا بِالْحُجِّ مَغْفُورًا لَّهِ» «کسی که در حال احرام از دنیا برود روز قیامت برانگیخته می شود در حالی که لبیک گو و آمرزیده شده است.» (شیخ صدوق، به کوشش علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، ج ۲، ص ۲۲۹، ۱۴۰۴ق.).

لبیک، شعار حج است و حج گزاران مأمور به بلند کردن صدای خود به شعار توحیدی هستند. کسی که در حال احرام بمیرد، در حالی که روز قیامت برانگیخته می شود که لبیک گوی حج و آمرزیده شده است، (شیخ الصدوق، به کوشش علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، ج ۲، ص ۳۲۵، ۱۴۰۴ق. / کلینی، محمد بن یعقوب، به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۴، ص ۳۳۶، ۱۳۷۵ش.).

با طلوع توحید در قلب زائر، زیباترین و متعالی‌ترین پیمان‌ها با خداوند بسته می‌شود و با این پیمان، همه پیمان‌های پیشین گسسته می‌شود و اگر پیمان‌هایی باقی می‌ماند، همگی در قالب و قلمروی این پیمان الهی است. لیبیک، دنیایی از عزت، شرف، فخر، آزادگی، هویت انسانی و پیوند با ابدیت و احدیت را در خود نهان دارد. آن که به ژرفای این لیبیک رسید، هم نعمت را از خدا می‌داند، هم تنها او را حمد می‌کند.

زائری لیبیک گو و با چنین معرفتی، اگر در این احرام و با این معرفت به لقای حق برسد، همواره لیبیک گوست. همان طور که محیی‌الدین عربی می‌گوید:

«سالکان، تلبیه را نه در دنیا و نه در آخرت، قطع نمی‌کنند؛ زیرا آنان پیوسته، خواندن حق تعالی را در دل‌هایشان می‌شنوند، پس آنان از حالی به حالی دیگر به حسب آنچه که حق تعالی بدان فرا می‌خواندشان، انتقال پیدا می‌کنند و همین‌طور راست‌گفتاران در دنیا، بدانچه که شرع آنان را بدان در تمام افعالشان فرا می‌خواند و اجابت آنان عبارت است از باز داشتن خویش از وقوع در حرام. پس آنان از حالی به حال دیگر به سبب فرا خواندن پروردگارشان، انتقال پیدا می‌کنند. پس او سبحانه و تعالی، پیوسته خواننده به سوی خودش است و عارف هم گوشش باز و شنوا و پیوسته اجابت‌کننده و لیبیک‌گوست.» (فتوحات المکیه، ج ۱، ص ۸۳۳، بی تا).

سالکان و مهاجران، تلبیه منقطع ندارند؛ لیبیک آنها دائمی است. آنها در تمام عمر، اجابت دعوت حق می‌کنند و لیبیک‌گویان مقام قدس ربوبی‌اند.

همان‌گونه که مؤمنان بر پایه تفاوت مراتب ایمان، درجاتی دارند، درجات لیبیک‌گویان نیز بر اساس مراتب تلبیه‌شان متفاوت است؛ زیرا عده‌ای اعلان انبیا علیهم‌السلام را لیبیک می‌گویند و گروهی دعوت خدای سبحان را. بعضی می‌گویند، ای کسی که ما را به الله دعوت کرده‌ای، ما اجابت کردیم و آمدیم: «لیبیک داعی الله، لیبیک داعی الله». این گروه، متوسطان زائران خانه خدا هستند که دعوت ابراهیم خلیل را اجابت می‌کنند:

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (حج: ۲۷)

«و مردم را به حج دعوت کن تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر (چابک و ورزیده) از هر راه دوری به سوی تو بیایند.»

فراتر از آنان، گروهی هستند که دعوت الله را می شنوند و به آن پاسخ می گویند: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران: ۹۷) «و برای خدا بر مردم (واجب) است که آهنگ خانه [او] کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند».

کسی که امکان سفر حج دارد، باید دعوت خدا را لیبیک بگوید. چنین زائری که جزو اوحدی از افراد باایمان است، به خدا پاسخ مثبت می دهد و می گوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ... لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلِي دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ... لَبَّيْكَ مَرَهُوبًا مَرُغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ...». با این تلبیه‌ها، زائر بیت الله پاسخ فراخوان خدا را می دهد.

البته جواب خلیل خدا نیز جواب خداست و جواب خدا بدون جواب خلیل نیست؛ ولی تفاوت در شهود زائر عارف بیت الله است، (عبدالله جوادی آملی، صص ۳۸۱، ۳۷۹، ۱۳۷۷ ش). کسی که با این توجه لیبیک بگوید و در لباس احرام به دیدار حق بشتابد، در عرصه قیامت هم لیبیک گوی حق خواهد بود. نتیجه آن لیبیک با معرفت این می شود؛ چرا که قرآن می فرماید:

﴿إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (صافات: ۷۹) «ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم».

گروهی از حج گزاران امسال، برگزیده شدند تا روز قیامت، لیبیک گویان وارد صحرای محشر شوند و با شعار لیبیک خود، بین اهل محشر شناخته شوند که در کجا و چگونه جان باختند.

۴. امان از فزع اکبر

«مَنْ مَاتَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ ذَاهِبًا أَوْ جَائِيًا أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (کلینی، محمد

بن یعقوب، به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۴، ص ۲۶۳، ۱۳۷۵ ش. / محمد بن زین الدین ابن

ابی جمهور، تحقیق: مجتبی عراقی، ج ۴، ص ۳۰، ۱۴۰۵ ق.)

یکی دیگر از آثار مرگ مهاجر و زائر الی الله، امان یافتن از «فزع اکبر» است؛ روزی که همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است از شدت آن به وحشت می افتد. قرآن کریم از این حادثه عظیم این گونه تعبیر می کند:

﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَنَزَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ

أَنفُوهٌ دَاخِرِينَ﴾ (نمل: ۸۷)

در آن روز که همه مردم در اضطراب و نگرانی، منتظر سرنوشت خود هستند، عده‌ای با آرامش و سکینه، انتظار لطف خاص پروردگار را دارند؛ چرا که در حرم پروردگار و مسیر حرکت به سوی حریم دوست، جان باخته‌اند.

۵. دل آرام

قیامت و سختی‌های آن هر فرد معتقدی را دچار نگرانی و اضطراب می‌کند؛ زیرا روزی بسیار سخت است: ﴿فَذَلِكِ يَوْمٌ عَسِيرٌ﴾ (مدثر: ۹) «آن روز، روز سختی است.» همچنین روزی است سنگین: ﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا﴾ (انسان: ۲۷) «آنها (مجرمان) «زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که پشت سر خود، روز سخت و سنگینی را رها می‌کنند.»

توصیف آن روز به ثقیل، توصیفی است گسترده و پرمعنی: سنگین از نظر محاسبه‌ها، مجازات‌ها، رسوایی‌ها، شداید محشر، سنگینی مسئولیت‌ها و سنگین از نظر بار گناهان. اما یکی از هدیه‌های خداوند به کسانی که به میهمانی خدا و رسولش بار می‌یابند و در حرمین مکه یا مدینه وعده حق را لیبیک می‌گویند، رسیدن به آرامش، و امنیت یافتن است. امام صادق علیه السلام فرمود: «وَمَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ بَعَثَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَمْنَيْنِ» (محمد تقی المجلسی، به کوشش موسوی و اشتهازدی، ج ۴، ص ۹۶، ۱۳۹۶ق.۰)؛ «کسی که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) از دنیا برود، خداوند او را از آرامش‌یافتگان مبعوث می‌کند.»

کسانی را که خداوند در حریم خود امنیت داده، چون جان آنان را در همان حرم بگیرد، باز او را در امنیت خود قرار می‌دهد؛ بنابراین او را با امنیت و آرامش مبعوث می‌کند.

۶. مرگ آسمانی

من مات بمكة فکان مات فی السماء الدنيا.

آسمان نشانه رحمت پروردگار است. رحمت الهی از آسمان به زمین سرازیر می‌شود. در روایات توصیه شده هنگام دعا، دست‌های خود را به سوی آسمان بالا ببرید. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: چه فرقی است که دست‌ها را به سوی آسمان ببریم یا به سوی زمین

قرار دهیم؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«ذَلِكَ فِي عِلْمِهِ وَإِحَاطَتِهِ وَقُدْرَتِهِ سَوَاءٌ وَلِكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ أَوْلِيَاءَهُ وَعِبَادَهُ بِرَفْعِ أَيْدِيهِمْ إِلَى السَّمَاءِ نَحْوَ الْعَرْشِ لِأَنَّهُ جَعَلَهُ مَعْدِنَ الرِّزْقِ فَثَبَّتْنَا مَا ثَبَّتَهُ الْقُرْآنُ وَالْأَخْبَارُ عَنِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ قَالَ ارْفَعُوا أَيْدِيَكُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ». (طبرسی، به کوشش: سید محمد باقر دار النعمان، ج ۲، ص ۳۳۳، ۱۳۸۶ ق.)

بالا یا پایین بردن دستها در علم خدا و احاطه پروردگار و قدرت او مساوی است، اما خدای قادر متعال به دوستان و بندگانش دستور داده دوستان خود را به سوی آسمان جانب عرش بالا ببرید؛ چرا که خداوند آسمان و عرش را معدن رزق قرار داده است و ما آنچه را قرآن و اخبار از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثابت کرده، بیان می کنیم که فرمود: «دست هایتان را به سوی خدا بالا ببرید».

همچنین ابلیس مدعی است که از همه جهات می تواند انسان را مورد تهاجم قرار دهد، مگر از آسمان و در حال سجده.

میقات

«قَالَ فِيمَا أَعْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَأَنْزِلَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ». (اعراف: ۱۶ و ۱۷)

«من بر سر راه مستقیم تو، در کمین آنها می نشینم. سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آنها، به سراغشان می روم.»

بنا بر روایات، بعضی انسانها مرگ آسمانی دارند و از دسترس و نفوذ شیطانها در امانند. قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ * وَحَفِظْنَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ». (صافات: ۶)

«ما آسمان نزدیک (دنیا) را با زیور ستارگان آراستیم تا آن را از هر شیطان متمردي حفظ کنیم.»

یکی از کسانی که مرگ آسمانی دارد، کسی است که در مکه از دنیا برود. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ مَاتَ بِمَكَّةَ فَكَانَتْهَا مَاتَ فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا»؛ «کسی که در مکه از دنیا برود، مانند آن است که در آسمان دنیا به رحمت پروردگار پیوسته است» (سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی،

ص(۲۴۱، ۱۴۰۷ق.)

شیطان نمی تواند در ایمان چنین فردی رخنه کند و هنگام جان دادن، ایمان او را بر باید. در روایات معصومان علیهم السلام آمده است که یکی از موقعیت های مورد انتظار شیطان برای فریب انسان ها و ربودن ایمانشان، هنگام مرگ است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَأْتِي الرَّجُلَ مِنْ أَوْلِيَانِنَا عِنْدَ مَوْتِهِ عَنِ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ لِيُضِلَّهُ عَمَّا هُوَ عَلَيْهِ فَيَأْتِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى» (شیخ الصدوق، به کوشش علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، ج ۱، ص ۱۳۴، ۱۴۰۴ق.) «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (ابراهیم: ۲۷)

«هر آینه شیطان هنگام مرگ به سراغ دوستان ما می آید و از راست و چپ به او حمله می کند تا اینکه او را از آنچه بر آن است، گمراه کند. ولی خداوند چنین چیزی را (برای دوستان ما) ابا دارد و این سخن خداوند است که فرمود: «خداوند کسانی را که ایمان آوردند، به سبب گفتار و اعتقاد استوار در این جهان و در سرای دیگر، ثابت قدم می دارد.»

۷. بدون حساب

«وَمَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ حَاجًّا أَوْ مُعْتَمِرًا لَقِيَ اللَّهَ وَلَا حِسَابَ عَلَيْهِ وَلَا عَذَابَ» (شیخ

الصدوق، به کوشش علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، ج ۲، ص ۲۲۸، ۱۴۰۴ق.)

«و کسی که در یکی از دو حرم (مکه یا مدینه) در حال انجام حج و یا عمره از دنیا برود، خدا را ملاقات می کند درحالی که هیچ حسابی بر او نیست و عذابی ندارد.»

یکی از مراحل سخت بعد از مرگ، موقف حسابرسی به اعمال فرد است. همان طور که از

آیات قرآن استفاده می شود، یکی از نام های قیامت، «یوم الحساب» است:

«إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص: ۵۲)

«کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند.»

همچنین قرآن کریم به پاداش های وعده داده شده به صالحان اشاره کرده و روز حساب را

زمان وفای به وعده های الهی می شمارد: «هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ» (ص: ۵۳) «این همان

پاداشی است که برای روز حساب به شما وعده داده می شود (وعده ای تخلف ناپذیر).»

در آن روز ریزترین اعمال انسان را مورد حسابرسی قرار می دهند: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ﴿﴾ (زلزله: ۷-۸)

اما در این میان، گروه‌هایی مشمول فضل الهی قرار می‌گیرند و حساب و عذابی نخواهند داشت؛ از جمله این گروه‌ها، کسانی هستند که در حریم شریفین از دنیا بروند. امام صادق عليه السلام فرمود: «و کسی که در یکی از دو حرم (مکه یا مدینه) در حال حج یا عمره از دنیا برود، خدا را ملاقات می‌کند در حالی که حسابی بر او نیست و عذابی ندارد.» (شیخ الصدوق، به کوشش علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، ج ۲، ص ۲۲۸، ۱۴۰۴ ق.)

شهادای منا کسانی هستند که در میهمانی کریمی بخشنده حضور داشتند و در همان میهمانی به ملاقات حق شتافتند، کریم از آنان سؤال نخواهد کرد که با خود چه آورده‌اید؛ بلکه بی حساب در صدد جبران برمی‌آید و بی حساب به آنان می‌بخشد.

۸. گشوده نشدن نامه اعمال

«و من مات بين الحرمين لم يشدله ديوان»؛ «کسی که بین دو حرم مکه یا مدینه از دنیا برود، نامه عملی برای او گشوده نمی‌شود.» (محمدباقر مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، ج ۷، ص ۳۰۲، ۱۴۰۳ ق.)

بر اساس آیات و روایات، اعمال و رفتار انسان در دنیا یا بر لوح دل ﴿أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ﴾ (مجادله: ۲۲) یا در جریده‌ای به وسیله ملائکه ثبت می‌شود (سید علیخان بن احمد کبیر مدنی، تصحیح: محسن حسینی امینی، ج ۲، ص ۲۴۱، ۱۴۰۹ ق.). در هنگام حسابرسی، نامه‌ای که نمایانگر اعمال انسان است، گشوده می‌شود و هر فردی اعمال خود را می‌بیند: (فضل بن حسن طبرسی، ج ۱۰-۹، ص ۴۴۴، ۱۴۰۶ ق.) / محمود بن عمر زمخشری، ج ۴، ص ۷۰۹، ۱۳۶۳ ش.)

﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ لِّزَمَانِهِ طَائِرَةٌ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا * أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾. (اسراء: ۱۳-۱۴)

«و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته‌ایم و روز قیامت، نامه [اعمالش را] برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود گشوده می‌بیند. [و به او می‌گوییم:] نامه [اعمال] خود را بخوان. کافی است که امروز، خود حسابرس خویش باشی...»

یا در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ

لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا﴾. (الکهف: ۴۹)

«و نامه اعمال [آنها] در آنجا قرار داده می‌شود، پس گنهکاران را می‌بینی در حالی که از آنچه در آن است، ترسان و هراسانند و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فروگذار نمی‌کند، مگر اینکه آن را احصاء کرده است. و [این در حالی است که همه] اعمال خود را حاضر می‌بینند.»

یکی از سخت‌ترین حالات انسان، زمان گشوده شدن نامه اعمال و رویارویی با رفتارهای ناپسند خود است. در چنین موقعیتی انسان سخت از رفتار خود شرم‌منده می‌شود و از خدا می‌خواهد که ای کاش، نامه عملش به او داده نمی‌شد و ای کاش هیچ‌گاه این نامه عمل گشوده نمی‌شد. قرآن کریم به این حقیقت اشاره کرده است:

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ * وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيهِ﴾.

(الحاقه: ۲۶-۲۵)

«اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می‌گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی‌دادند. و نمی‌دانستم حساب من چیست؟»

انسان‌ها با مشاهده این نامه می‌گویند:

﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾. (نبا: ۴۰)

«روزی که انسان آنچه را از قبل با دست‌های خود فرستاده می‌بیند و کافر می‌گوید: «ای کاش خاک بودم [و اعمال زشت خود را نمی‌دیدم].»

در این وضعیت چه سعادت‌مندند و آبروی آنها چقدر نزد پروردگار عزیز است که نامه عمل آنها گشوده نمی‌شود. نه خود از اعمال ناپسند خود آگاه می‌شوند و نه فرشتگان از آنها باخبر می‌گردند و نه در مقابل خداوند، شرم‌منده و سرافکننده می‌شوند. امام صادق علیه السلام فرمود: «وَمَنْ مَاتَ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ لَمْ يُنْشَرْ لَهُ دِيْوَانٌ»؛ «کسی که بین دو حرم مکه و مدینه از دنیا برود، نامه عملی برای او گشوده نمی‌شود.» (محمد باقر مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، ج ۷، ص ۳۰۲، ۱۴۰۳ق.)

۹. تجارت پرسود

امام صادق علیه السلام فرمود:

«الْحَسْبُ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنَ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ وَالْعَامِلُ بِهِمَا فِي جِوَارِ اللَّهِ إِنْ أَدْرَكَ مَا يَأْمُلُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَإِنْ قَصَرَ بِهِ أَجَلُهُ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ». (کلینی، محمد بن یعقوب، به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۴، ص ۲۶۰، ۱۳۷۵ ش.).

«حج و عمره دو بازار از بازارهای آخرت‌اند. عمل‌کننده در این دو بازار در جوار خداست. اگر به آنچه آرزو دارد برسد، خداوند او را مورد مغفرت خود قرار می‌دهد. اگر مرگ فرا برسد و دست او را از رسیدن به آرزوها کوتاه کند، اجر او بر خداوند است.»

زائر خانه خدا و حج گزار در متجر اولیای خدا به یکی از دو پاداش بزرگ و تجارت پرسود می‌رسد؛ یا با سلامت و آمرزیده شده از سفر برمی‌گردد که در نتیجه به آرزوی خود رسیده است یا اگر مرگ او در این سفر قرار گرفت، از مهاجرین الی الله است که خداوند پاداش او را ضمانت می‌کند: ﴿قُلْ هَلْ تَرَبُّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ﴾. (توبه: ۵۲)

حج و عمره بازار بزرگی است که تجارت‌های بزرگ در آن صورت می‌گیرد؛ تجارت گذشت از مال و خانواده، تجارت صبر بر مشکلات و سختی‌ها، تجارت قربانی کردن همه تعلقات، حتی لباس تن و موی سر، تجارتی که سودهای کلان دستاورد آن است. نماز خواندن در مکه برابر با صد هزار نماز شمرده شده است، (کلینی، محمد بن یعقوب، به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۴، ص ۵۸۶، ۱۳۷۵ ش.) / شیخ الصدوق، به کوشش علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، ج ۱، ص ۲۲۸، ۱۴۰۴ ق.)، یک روز روزه گرفتن در مکه برابر با روزه یک سال در سایر جاهاست (شیخ الصدوق، به کوشش علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، قم، نشر اسلامی، ج ۲، ص ۲۲۷، ۱۴۰۴ ق.) و ختم قرآن در این شهر پاداش حسنات اولین جمعه حضور در دنیا تا آخرین جمعه حیات او را دارد. (کلینی، محمد بن یعقوب، به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۶۱۲، ۱۳۷۵ ش.) / محمد بن علی ابن بابویه، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ص ۱۲۵، ۱۴۰۶ ق.)، یک درهم انفاق در این شهر، برابر با صد هزار درهم است، (کلینی، محمد بن یعقوب، به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۶۱۲، ۱۳۷۵ ش.) / شیخ الصدوق، به کوشش علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، قم، نشر اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۸، ۱۴۰۴ ق.)

۱۰. بهشت ضمانت شده

برای رسیدن به بهشت پروردگار، باید هزینه‌های سنگین پرداخت و باید اهل ایمان و عمل صالح شد: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (نساء: ۵۷)
باید اهل تقوا و پرهیزگاری شد تا به بهشت رسید: ﴿الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾ (آل عمران: ۱۹۸)

باید جان و مال خود را در راه حق نثار کرد: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ﴾ (توبه: ۱۱۱)
اما عده‌ای بهشت را با هزینه‌ای ارزان می‌خرند و آنان کسانی هستند که در مسیر انجام حج، جان خود را از دست می‌دهند. امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«صَمِنْتُ لِسِتَّةِ الْجَنَّةِ، رَجُلٌ خَرَجَ حَاجًّا فَمَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ...» (شیخ الصدوق، به کوشش

علی اکبر غفاری و محمدجواد صدر بلاغی، ج ۱، ص ۱۴۰، ۱۴۰۴ ق.)

«من برای شش گروه بهشت را ضمانت می‌کنم. یکی از آنها، فردی که به قصد حج خارج شود و مرگ او فرا رسد، پاداش او بهشت است.»

با توجه به آیات و روایات حضرات معصوم علیهم السلام و توضیحات و مطالب ارائه شده، می‌توان گفت اگرچه زائران خانه خدا جان خود از دست دادند، ولی حیات جاودانه به دست آوردند؛ مرگی آسمانی و زیبا که خداوند پاداش آنها را ضمانت کرده و با قلبی آرام، بر پروردگار خود وارد می‌شوند و از هر حساب و سؤالی معاف هستند.

منابع

۱. الاحتجاج، ابو منصور الطبرسی، به کوشش سید محمدباقر دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
۲. اسرار عرفانی حج، محمدتقی فعالی، تهران، مشعر، ۱۳۸۶ش.
۳. اسرار الصلاة، میرزا جواد ملکی تبریزی، تهران، نشر اشکذر، ۱۳۸۸ش.
۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی حسینی زبیدی، تحقیق: علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. تأملی در معنای مناسک حج، محمد نقی زاده، تهران، مشعر، بی تا.
۷. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تصحیح: حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۸. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، تصحیح: هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۹. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی ابن بابویه، قم، دار الشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
۱۰. الدعوات، سعید بن هبة الله قطب الدین راوندی، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۷ق.
۱۱. روضة المتقین، محمد تقی المجلسی، به کوشش موسوی و اشتهاوردی، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶ق.
۱۲. ریاض السالکین فی شرح صحیفة سیّد الساجدین، سید علیخان بن احمد کبیر مدنی، تصحیح: محسن حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۱۳. سلوک عاشورایی، منزل سوم، آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی، تهران، مصباح الهدی، ۱۳۹۱ش.
۱۴. شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶ش.
۱۵. صحیفة حج، قم، مرکز تحقیقات حج، تهران، مشعر، ۱۳۸۲ش.
۱۶. صهای حج، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، ۱۳۷۷ش.
۱۷. عدة الداعی و نجاح الساعی، احمد بن محمد ابن فهد حلی، تحقیق: احمد موحدی قمی، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۸. عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور، تحقیق: مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.
۱۹. الفتوحات المکیه، محیی الدین بن عربی، بیروت، دار صادر، بی تا.

۲۰. الكافى، محمد بن يعقوب كلنى، به كوشش على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش.
۲۱. الكشّاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقاويل فى وجوه التأويل، محمود بن عمر زمخشري، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۶۳ش.
۲۲. مجمع البيان فى تفسير القرآن، فضل بن حسن طبرسى، بيروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۲۳. المحاسن، ابن خالد البرقى، به كوشش حسيني، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۲۶ش.
۲۴. المراقبات، ميرزا جواد آقا ملكى تبريزى، به كوشش موسى، قم، دارالاعتصام، ۱۴۱۶ق.
۲۵. مفردات الفاظ القرآن، حسين بن محمد راغب اصفهاني، بيروت، دار القلم؛ دمشق، الدار الشاميه، ۱۴۱۲ق.
۲۶. مقامات معنوى، محسن بنيا، تهران، ماندگار، ۱۳۹۱ش.
۲۷. من لا يحضره الفقيه، شيخ الصدوق، به كوشش على اكبر غفارى و محمدجواد صدر بلاغى، قم، نشر اسلامى، ۱۴۰۴ق.
۲۸. الوافى، فيض كاشانى، به كوشش ضياءالدين، اصفهان، مكتبة الامام امير المؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
۲۹. وسائل الشيعه، شيخ حر العاملى، قم، آل البيت، ۱۴۱۲ق.